



## درس فارق فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- حکم نظر به تصویر زن- مقام اول: نظر از وراء شیشه و دوربین

مصادف با: ۳ صفر ۱۴۴۲

سال سوم

جلسه: ۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد در ادامه بحث از نظر به مرأه، سخن در این است که آیا نظر به زن نامحرم با واسطه و سالیلی مثل شیشه یا دوربین، این حکمش چیست. نظر به تصویر مرأه چه در آینه و آب و چه بر روی کاغذ یا به صورت متحرک در فیلم‌ها و تلویزیون و سینما، خوب است که حکم اینها بررسی شود. ما اگر بخواهیم به طور کلی در این باره بحث کنیم، در سه مقام این موضوع را دنبال می‌کنیم. یکی نظر به مرأه من وراء الزجاج و دوربین. دوم، نظر به مرأه در آب و آینه که این بحث دارد که آیا این نظر به تصویر است یا نظر به خودش می‌باشد. سوم، نظر به تصویر مرأه در کاغذ و پرده سینما و صفحه تلویزیون و حتی نقاشی، یعنی تصویری که کسی از دیگری می‌کشد. در این سه مقام ما بحث را دنبال خواهیم کرد.

### مقامات سه گانه

اینکه ما اینها را در سه مقام قرار دادیم و از هم تفکیک کردیم، شاید به جهت تفاوتی است که از حیث موضوع می‌توانیم بین اینها قائل شویم؛ این با ملاحظه ادله و حکم اینها و استدلال‌هایی که بعضاً در این رابطه صورت گرفته، بیشتر معلوم می‌شود. مثلاً نگاه به زن از پشت شیشه یا با دوربین، دیگر عنوان تصویر پیدا نمی‌کند و اینجا فقط یک واسطه‌ای بین ناظر و او قرار گرفته است. اما در آن دو مقام بعد، نظر در واقع به تصویر است ولی تصویر در آینه و آب به این دلیل از بقیه جدا شده که اولاً این موضوع در گذشته هم مطرح بوده و در کتب قدما یا متوسطین مطرح شده و استدلال‌هایی بر جواز یا حرمت ذکر شده که این استدلال‌ها در مقام سوم قابل توجه هستند. مقام سوم، تصویر زن یا بر روی کاغذ - که عکس می‌شود - یا بر پرده سینما یا صفحه تلویزیون؛ حالا مباشر یا زنده بودن یا نبودن در ذیل همین قرار می‌گیرد، ولی علت اینکه این را در این موضع قرار دادیم و جدا کردیم، برای این است که اولاً این موضوعات نسبتاً جدید است، غیر از نقاشی که ممکن است بگوییم از قبل بوده، ولی بالاخره عکس و سینما و تلویزیون در این قرون اخیر پیدا شده است؛ هم جدید است و قبلاً نبوده و هم تردیدی در اطلاق تصویر بر این موارد نیست. اگر ما در آب و آینه هم تردید کنیم، اما اینجا دیگر جای این تردید نیست. لذا ما در این سه مقام بحث‌مان را دنبال خواهیم کرد.

### مقام اول: نظر از وراء شیشه و دوربین

اما مقام اول، بحث از نظر به زن نامحرم از پشت شیشه یا دوربین است. این دوربین‌ها این خاصیت را دارند که همان شیشه است اما چهره را بزرگتر و واضح‌تر و نزدیک‌تر می‌کند؛ قهراً در طول زمان این دوربین‌ها پیشرفت کرده ولی از قدیم این دوربین‌ها به یک نوعی وجود داشته است. سابقه شیشه هم یک سابقه نسبتاً طولانی است. این موضوع البته در کتاب‌های

فقهی از گذشته نسبتاً مطرح بوده و خیلی جدید نیست. امام(ره) در بحث ستر عورت در کتاب الطهارة به مناسبت بحث از احکام تخلی، می‌فرماید: «لایجوز النظر الی عورة الغیر من وراء الزجاج». یا مرحوم سید در عروه همین تعبیر را در کتاب الطهارة به کار برده‌اند: «لایجوز النظر الی عوره الغیر من وراء الشیشه». به‌رحال این در بحث ستر عورت مطرح شده و بحث‌هایی درباره آن صورت گرفته است. آنجا بحث نظر من وراء الشیشه الی عورة الغیر است، به‌عنوان اینکه النظر الی عورة الغیر حرامٌ رجلاً کان أو امرأة. در مورد امرأة هم از باب اینکه نظر به جمیع بدن مرأة الا ما استثنی حرام است، اگر این نظر از وراء شیشه یا با دوربین انجام شد، بحث است که آیا جایز است یا نه.

ظاهر این است که ادله حرمت نظر به اجنبیه الا ما استثنی شامل این فرض می‌شود. اگر کسی از وراء شیشه یا با دوربین به زن نامحرم نگاه کند، به شعر، بازوان و به هر موضعی از مواضع بدن این زن نگاه کند، عرفاً صدق می‌کند که نظر الیها. این خیلی مهم است که نظر من وراء شیشه در واقع نظر به خود او محسوب می‌شود؛ اینجا اصلاً بحث تصویر زن و انعکاس صورت مطرح نیست، بلکه این نظر به خود اوست. یعنی مثلاً اگر کسی از پشت شیشه به یک زن یا هر چیزی نگاه کند، عرفاً می‌گویند ينظر الیها یا نظر الیها یا نظر الی الشیء. بین خود شیء و بین آن شیء من وراء شیشه، فرقی از نظر عرف نیست. این قطعی است و تردیدی در آن نیست و اختلافی هم در آن نشده است، به‌خلاف سایر موارد که در سایر موارد اختلاف بعضاً وجود دارد که برخی گفته‌اند عرفاً صدق می‌کند و برخی دیگر گفته‌اند عرفاً صدق نمی‌کند.

سؤال: ...

استاد: اینکه شیشه مشجر باشد، در واقع النظر الی شبحه است. یعنی اصلاً نمی‌شود تمیز داد؛ اعضا را نمی‌شود تمیز داد؛ اصلاً معلوم نیست که پشت شیشه مشجر کیست. ولی ما شیشه‌های کاملاً شفاف را عرض می‌کنیم و منظور از دوربین، دوربین‌هایی است که چهره را واضح‌تر و شفاف‌تر می‌کند و نزدیک‌تر می‌آورد.

یا حتی دوربین فیلمبرداری و دوربین عکاسی که اینها هم بالاخره النظر من وراء الشیشه یا از وراء دوربین است که حالا یا نزدیک می‌کند یا دور می‌کند. به‌رحال در این قسم تردیدی نیست که نظر از وراء شیشه به مرأة اجنبیه عرفاً النظر الیها محسوب می‌شود؛ تنها یک واسطه وجود دارد، آن هم واسطه‌ای که هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند. بنابراین ادله حرمة النظر الی الاجنبیه تماماً شامل این مورد می‌شود و همان مواردی که استثنا شده، اینجا هم استثنا می‌شود. به‌رحال نظر به وجه و کفین من دون تلذذ و ریبه اذا کان آلیاً، من وراء شیشه هم جایز است. بنابراین چون عرف هیچ فرقی بین اینها نمی‌بیند، دیگر جایی برای بحث نیست.

سؤال: ...

استاد: مثلاً اگر کسی با عینک نگاه کند... فرض کنید در شرایط عادی یک کسی اینجا ایستاده و یک شیشه‌ای می‌گذارد یا با عینک نگاه می‌کند، اینجا به هر عرفی ارائه شود و سؤال شود، می‌گوید هو ينظر الیه. نمی‌گوید این دارد به تصویرش نگاه می‌کند بلکه دارد خودش را می‌بیند؛ وجود شیشه فقط باعث شده که یک انکساری در این انعکاس نور پدید آید والا هیچ فرقی نمی‌کند.

سؤال: برخی نگاه با دوربین به ماه را از مصادیق رؤیت نمی‌دانند.

استاد: آن برای بُعد مسافتی است که وجود دارد و به چشم عادی دیده نمی‌شود.

سؤال: پس دوربین شکاری هم همین طور است؛ چون معمولاً با آن چیزهایی را می‌بینند که در فاصله خیلی دور قرار دارد. استاد: در بحث رؤیت هلال در واقع بحث در این است که افطر للرؤية و صم للرؤية. حکم به لزوم صوم یا لزوم افطار دایر مدار رؤیت شده و رؤیت هم همین رؤیت عادی است. در اینجا ادله حرمت نظر می‌گوید النظر الى الاجنبية حرام؛ حالا النظر الى الاجنبية اینجا مطلقاً حرام است، چه با چشم مسلح و چه با چشم غیرمسلح. حکم تکلیفی حرمت روی نظر رفته است. در همان مثال شما، سؤال این است که اگر کسی با چشم مسلح ماه را دید، آیا صدق نظر می‌کند یا نه. ... این دو بحث است؛ یک وقت می‌گوییم النظر الیه بالآلة، مثل دوربین و تلسکوپ؛ یک وقت می‌گوییم النظر الیه من دون الآلة. بالاخره هر دو نظر است؛ آقایان می‌گویند چون کلمه رؤیت آمده، یعنی رؤیت عادی. ... در موضوع اختلافی نیست؛ می‌گوید نظر الیه. اینکه ادعای انصراف شود، این بحث دیگری است. آنجا نمی‌گویند نظر الى تصويره؛ النظر الى القمر، النظر الى الهلال یا رؤية الهلال. بالاخره در اصل صدق رؤیت بحثی نیست؛ منتهی بحث این است که این رؤیتی که اینجا موضوع برای لزوم صوم یا لزوم افطار است، این رؤیت، رؤیت به چشم عادی است؟ اما اینجا این ادعای انصراف نیست؛ اینجا می‌گوید یحرم النظر الیه. به چه دلیل ادعای انصراف شود؟ در آن موقع متعارف این بوده که مردم با چشم عادی ببینند؛ اما اینجا به چه دلیل ادعای انصراف کنید و بگویید منصرف است؟ پس در آنجا هم در صدق نظر بحثی نیست؛ منتهی از یک فرض - که نظر با واسطه باشد - می‌گوید منصرف است. ولی همان‌جا هیچ کسی نمی‌گوید که این نظر به خودش نیست و نظر به تصویر است.

سؤال: ...

استاد: اگر کسی با دوربین ببیند، می‌گویند دارند نظر به تصویر می‌کند؟ این نظر به خود شیء است یا به تصویر شیء؟ پس نظر به خود شیء است. هرچند ممکن است بین نظر و رؤیت فرق بگذاریم. اصلاً عنوان نظر با عنوان رؤیت فرق می‌کند. نگاه کردن و دیدن، اینها یک تفاوتی با همدیگر دارند. ما قبلاً اشاره‌ای کردیم که چه فرقی است بین نظر و رؤیت. اینکه این تفاوت قابل قبول باشد یا نه، این بحث دیگری است. اصل مسأله این است که بالاخره اگر با دوربین هم دیده شود، آیا یصدق انه نظر الیه یا نه. قطعاً صدق نظر می‌کند و ادله شامل آن می‌شود. شما می‌خواهید بفرمایید مثل آنجا بگوییم این ادله شامل نمی‌شود؛ دلیل این انصراف چیست؟ دلیلی برای این انصراف وجود ندارد.

بنابراین به نظر می‌رسد در این بخش بحثی نداریم.

### مقام دوم: نظر به تصویر در آینه و آب

اما در مقام دوم که نظر به مرآة از طریق آینه و آب واقع شود که البته این مسأله در زمان‌های گذشته بوده و اتفاق می‌افتاده است. این حکمش چیست؟ سه قول در این مسأله وجود دارد:

۱. برخی قائل‌اند بواسطه الماء الصافی و المرآة لایجوز مطلقاً.

۲. برخی معتقدند نظر به زن با این دو وسیله جایز است مطلقاً.

۳. برخی هم تفصیل داده‌اند بین آینه و آب؛ بدین معنا که می‌گویند نظر به مرآة بواسطه آینه جایز نیست اما نظر به مرآة به واسطه آب جایز است. این سه قولی است که در این مسأله وجود دارد. اگر ما این اقوال و ادله آنها را به دقت مورد ملاحظه

قرار دهیم و بررسی کنیم، محور این اختلاف بر این مدار است که آیا آنچه که در آب و آینه دیده می‌شود، عین مرئی است یا شبیح اوست که با او مغایر است. بعضی معتقدند که به طور کلی آنچه انسان در آینه یا آب می‌بیند، عین آن زن نیست؛ آنچه آینه نشان می‌دهد غیر از خود اوست؛ آنچه در آب دیده می‌شود غیر از خود اوست. به عبارت دیگر، این مثلاً تصویر اوست و خود او نیست. کسانی که قائل به حرمت هستند، می‌گویند خود اوست و فرقی نمی‌کند. حتی کسانی که تفصیل داده‌اند، بر همین اساس بین آینه و آب تفصیل داده‌اند.

#### **ادله قائلین به عدم جواز**

اشاره کردم که اینجا در واقع برای اینکه بگوییم آنچه در آینه و آب دیده می‌شود تصویر مرأه است، راه باز است. چون در واقع خود مرأه را نمی‌بیند، بلکه عکسی از او در آینه یا تصویری از آن در آب قرار می‌گیرد و او می‌بیند. حالا ادله عدم جواز نظر و حرمت نظر به مرأه در آینه و آب را بررسی می‌کنیم تا ببینیم آیا قابل قبول هست یا نه. حدوداً شش دلیل برای این قول می‌توان ذکر کرد؛ یا واقعاً کسانی به اینها استدلال کرده‌اند یا ممکن آن يستدل لذلك بامور و وجوه.

#### **دلیل اول**

دلیل اول این است که اگر کسی به چهره منعکس شده زن در آینه و آب نگاه کند، از نظر عرف نظر به خود او محسوب می‌شود. فرض کنید کسی کنار شما و با فاصله کم ایستاده اما به جای اینکه صورتش را برگرداند و به چهره او نگاه کند، یک آینه می‌گذارد و از طریق آینه نگاه می‌کند. عرف واقعاً این را نظر به خود آن زن محسوب می‌کند؛ فقط یک واسطه و وسیله برای نظر خودش قرار داده است. یا مثلاً به همین ترتیب در یک آب زلال که منعکس‌کننده چهره و تصویر است و همه شرایط هم از نظر نور مهیاست، اگر به چهره زن در این آب نگاه کند، در واقع دارد به خود او نگاه می‌کند. یعنی عرف بین نظر به خود زن و به آنچه که از او در آب و آینه منعکس شده، فرقی نمی‌بیند. این فعل بدون مسامحه و بدون تجوز قابل استناد به ناظر است؛ اگر بگویند هو ناظر الیها، ينظر الیها، این نه مسامحه و تجوزی است و نه خلاف واقع است.

#### **بررسی دلیل اول**

این دلیل شاید مهم‌ترین دلیل این گروه باشد و عمده اختلافاتی که در مقام سوم بین آقایان پیش آمده، در همین محور است. درست است روایاتی داریم و ادله دیگری داریم، ولی این یکی از آن ادله محوری است که مخالفین و موافقین بر آن تکیه می‌کنند. همان‌جا می‌گویند که عرف این را نظر به او نمی‌داند؛ می‌گویند ينظر الی تصویرها. اصل اینکه واقعاً عرف باید تشخیص دهد که موضوع ادله حرمت نظر اینجا محقق است یا نه، اگر بخواهیم اطلاقات ادله حرمت نظر را شامل بدانیم، این یک امر واضح و روشنی است؛ این جای بحث ندارد که اگر مثلاً در آیات و روایات از نظر به اجنبیه نهی شده، هرکجا که این موضوع از نظر عرف محقق شود، این حکم ثابت می‌شود و این بحثی ندارد. در مورد آینه و آب واقعاً باید ببینیم این صغری محقق است یا نه. کبرای مسأله روشن است که موضوع را باید عرف تشخیص بدهد؛ مگر مخترعات شرعیه و بعضی از عرفیاتی که شارع حدی برای آنها تعیین کرده که اینها بحث دیگری است. ما تشخیص ماهیت صلاتی که مخترع شارع است را نمی‌توانیم به عرف واگذار کنیم. سفر شرعی که شارع یک حدی برای آن قرار داده، ما تشخیص این را نمی‌توانیم به عرف واگذار کنیم. اما در جایی که شارع دخالتی نکرده و ماهیتی را اختراع نکرده یا در قیود نظر خاصی نداشته، مثلاً بیع ربوی را

حرام کرده یا قیود و شروطی برای بیع گذاشته است. لولا آن دخالت‌های خاص، اصل این موضوع را باید عرف احراز کند و مصادیق آن را تشخیص بدهد.

اینجا قهراً این موضوع باید به داوری عرف سپرده شود که عرف آیا نظر به اجنبیه من طریق المرأة و من طریق الماء، این را نظر به خود او محسوب می‌کند؟ اگر این باشد، اطلاقات حرمت نظر آن را شامل می‌شود و ادله حرمت نظر آن را دربرمی‌گیرد. به نظر می‌رسد مسأله این چنین است؛ یعنی نظر به زن در آینه و آب، نظر به خود او محسوب می‌شود و ظاهرش این است که این دلیل قابل قبول است.

#### دلیل دوم

دلیل دوم این است که لو سلم که عنوان نظر الی المرأة شامل نظر به مرأة مع وساطة المرأة أو الماء نشود و عمومات حرمت نظر و ادله حرمت نظر اینجا به این مانع برخورد کند که نتوانیم به آن استناد کنیم و آن اطلاقات را نتوانیم استفاده کنیم، برخی از ادله و عمدتاً آیه غض و آیه «ولایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها»، به خصوص نظر را به مرأة از طریق آینه و آب حرام می‌کند. آیه غض بصر دلالت می‌کند بر لزوم فرو بستن چشمان؛ «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم»، «قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن». اگر غض بصر به معنای فرو بستن چشمان باشد، این غض بصر دیگر نسبت به صورت حاصله از مرأة در آب یا آینه شمول دارد. حالا این «یغضوا من ابصارهم» ضمن اینکه خود مرأة را شامل می‌شود، آنجایی که چهره زن در آب یا آینه بیفتد را هم دربرمی‌گیرد.

سؤال: ...

استاد: ما ادله را نقل می‌کنیم و این ادله پاسخ دارند. یک پاسخ این است که شما گفتید و پاسخ دیگری هم دارد که عرض خواهیم کرد. اینها ادله‌ای است که برخی در این مقام ذکر کرده‌اند.

پس اگر غض بصر بخواهد محقق شود، این در صورتی تحقق پیدا می‌کند که به چهره زن حتی در آینه و آب هم نگاه نکند. یا مثلاً آیه «ولایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها»، اینجا نهی کرده از ابداء زینت زنان. اگر زنی زینتش را در مقابل آینه ابداء کند و آشکار کند، یعنی موضعی که نباید آشکار کند - غیر از موضع استئنا -، اگر این نهی از ابداء زینت شده یا به تعبیر دیگر لزوم ستر را دلالت می‌کند و بالملازمه حرمت نظر استفاده می‌شود، ابداء زینت به نحوی که آب و آینه آن را منعکس کند، اینجا در واقع ستر کأن محقق نشده و ابداء حاصل شده است. اگر کسی در مقابل آینه این کار را کند، آنچه در آینه محقق می‌شود همان مصداق آشکار کردن و ابداء است که از آن نهی شده و این مستلزم حرمت نظر است. به هر حال به خصوص این دو آیه هم مورد استناد قرار گرفته برای عدم جواز نظر به زن در آینه و آب.

#### بررسی دلیل دوم

این دلیل به نظر می‌رسد تمام نیست. چون:

اولاً: در واقع مستقل از دلیل اول نیست. اگر ما گفتیم این ادله تابع نظر عرف است از حیث مصداق النظر الی المرأة؛ اگر ما گفتیم نظر به مرأة من دون واسطة و نظر به مرأة مع الوساطة از نظر عرف هیچ فرقی نمی‌کند و این همان محسوب می‌شود،

طبیعتاً این ادله شاملش می‌شود. اگر گفتیم از نظر عرف اینها فرق می‌کنند، آن ادله شاملش نمی‌شود. به عبارت دیگر این دلیل یک دلیل مستقلی محسوب نمی‌شود.

ثانیاً: خود آیه غض بصر و آیه ابداء زینت، ما در گذشته درباره دلالت اینها بحث کردیم. این آیه نظر به خود مرأه را - مواضع زینت - حرام می‌کند؛ غض بصر را نسبت به خود مرأه واجب می‌کند. اما واقع مطلب این است که اینکه غض بصر نسبت به ماینعکس منها فی الماء و المرأه، این شمولش خیلی روشن نیست. غض بصر به معنای بستن چشم نیست. ما قبلاً گفتیم که «یغضوا من ابصارهم» یعنی فروبردن، کم کردن و نقص ایجاد کردن در نگاه. به قول بعضی، نهی از زلزدن و خیره‌شدن می‌کند، نه اینکه مطلق نگاه را منع کند. بنابراین به نظر ما دلیل دوم تمام نیست.

«والحمد لله رب العالمین»